

# پایه مجسمه سنگی کتیبه دار

## دوره سلوکی

رسول پشاش کنزق

عدد جای پای انسان است بر روی پایه باقیست که حاکی از انسان گونه بودن مجسمه است (عکس شماره ۲). متأسفانه متن کتیبه اشاره‌ای به معرفی شخصیت خود مجسمه ندارد لیکن نام شخص دهنده مجسمه را بر خود دارد. اندازه‌های شیء بطول ۵۰۵ و عرض ۵۰۳ و ارتفاع ۱۰۰ میلیمتر است که اثر جای پاهای مجسمه و کتیبه‌ها همه در یکی از سطوح نقش بسته‌اند. (طرح شماره ۱) شیوه کتیبه‌نگاری در این شیء به‌صورت کنده‌کاری روی سنگ است. کتیبه در سه سطر به ترتیب سطر اول به یک خط آرامی محلی شیء به خط الیمانی دوره‌های بعد در زمان اشکانی و گویشی از زبان ساسی و سطر دوم و سوم به خط آرامی دوره سلوکی است که بسیار با خط آرامی دوره هخامنشی قابل مقایسه می‌باشد. اهمیت بسیار زیاد این اثر مکتوب بنابر تاریخی که به‌دست می‌دهد یعنی دهه‌های اولیه استقرار حکومت سلوکی در ایران بخصوص زمان حکومت آنتیوخس اول از لحاظ تاریخی و تطوّر خط و زبان بسیار حائز اهمیت و مهم است زیرا که در این برهه از تاریخ متأسفانه حتی مهمترین مراکز حکومتی ایران به از سقوط امپراتوری

بدین ترتیب مقدمات تحقیق و مطالعه روی آن آغاز گردید.

این شیئی که پس از قرائت کتیبه آن به نام پایه مجسمه سنگی دوره سلوکی نامگذاری می‌شود جزو اشیاء بازیافته هم اکنون در دفتر میراث فرهنگی استان خوزستان نگهداری می‌شود. (عکس شماره ۱) جنس شیئی سنگ آهک از نوع سنگ مرمر تراشیده شده به شکل مکعب مستطیل که خوشبختانه سطوح و جهات ششگانه سنگ گذشته از نرم‌شدگی و با اصطلاح لب پروه شدن خطوط لبه‌ها نسبتاً کامل و سالم باقی مانده است. موضوع اصلی این شیئی که مجسمه نصب شده بر روی آن بوده متأسفانه کنده و جدا شده ولی محل نصب پاهای مجسمه که به صورت دو



تصویر شماره ۱

○  
روزی از روزهای تابستان ۱۳۷۲ در حالی که در کتابخانه سازمان میراث فرهنگی کشور در حال مطالعه بودم دوست و همکار بسیار ارجمند جناب آقای مهندس مهریار که گویا تازه از مأموریت خوزستان مراجعت نموده بودند و روزه‌ای محتوی طرح اجمالی از یک پایه مجسمه سنگی و استنسخی از نوشته‌های موجود روی آن را که خود با علاقه و دقت سیاه‌برداری نموده بودند با لطف و محبت بزرگوارانه‌ای به‌بندگی دادند تا بنده را ضمن تشویق و ترغیب مهربانانه خویش در جریان وجود این شیئی در دفتر میراث فرهنگی استان خوزستان قرار دهند. بنده نیز به کمک استنسخی که ایشان انجام داده بودند قسمت اعظم کتیبه را مقدمتاً قرائت نمودم. لیکن با توجه به وجود بعضی ابهامات و خالی‌ها شدن محل حروف زایل شده، امکان ارائه قرائت کامل و محکمی از کتیبه وجود نداشت. لذا مدتی بعد در اواخر همان سال یعنی اسفندماه سال ۱۳۷۲ نگارنده بنا به درخواست استان جهت بازدید از بعضی از اشیاء کتیبه‌دار موجود در آن استان به خوزستان عزیمت و ضمن بازدید موارد مورد درخواست، از پایه مجسمه جاقفّی نیز بازدید بعمل آوردم.

همانندی مسکوت و در دهانه ای از  
 نقل قولهای مبهم مورخین قدیم بسر  
 می برد. لذا کشف چنین سند مکتوب  
 از آن دوره تاریک نوری است که در حد  
 خود موجب رفع برخی از شبهات و  
 ابهامات زبان خود خواهد شد.

**استخ کتیه:**

همانگونه که ذکر گردید کتیه در همان  
 سطح محل نصب مجسمه مفقوده بفاصله  
 چند سانتیمتر از پایه‌های مجسمه به دو خط  
 و گویش متفاوت آرامی با قمری نه چندان  
 محسوس در سه سطر کنده شده است.  
 اثر خطوط بعثت کهنه‌گی سنگ و مرور  
 زمان از آنچه که پیشه نیز محو شده است  
 بطوریکه در نگاه کلی و نخست تنها اثر  
 محو شده‌ای از خط در جای جای کتیه

بمتهای چشم می خورد. با توجه به غیر  
 ممکن بودن عمل استخ و تهیه عکس  
 از خطوط در چنان وضع نامناسب و  
 کوری از خطوط (عکس شماره ۴) با  
 پاشیدن قدری پودر سیاه رنگی که از نیک  
 مذاذ تهیه گردیده بود بر روی خطوط و  
 مالش نرم و آهسته بر سطوحی که تصور  
 وجود خط در آنها می رفت خوشبختانه

بهوضوح قابل ملاحظه و شافی بخشی از  
 حروف و کلمات کتیه رسیدیم. (عکس  
 شماره ۳) کتیه در سه سطر کنده شده  
 است. سطر اول که حاوی نام و نسب  
 شخص اهدا کننده مجسمه است از چهار  
 کلمه تشکیل می شود که فاصله فاسل  
 ملاحظه‌ای بین کلمه نخست و دیگر  
 کلمات آن باخاطر زیبایی در لحن ادای  
 مطلب در آن ملحوظ شده است. خط  
 شکل کهن تر خط کتیبه‌های الیمائی در  
 اواخر سده‌های دوم و اول قبل از میلاد  
 است و زبان آن گویشی سامی است.

سطر دوم و سوم که حاوی بک تاریخ و  
 تعدادی اصنام و عناوین است بهخط

مشابهت این خط بهخط آرامی دوره هخامنشی  
 است. زبان این خط گویشی آرامی  
 است. حروف جدا از هم و با ابعاد  
 متوسط ۲x۱ سانتی متر نقر شده‌اند.  
 کلمات با رعایت فاصله از هم جدا نوشته  
 شده‌اند که البته این امر از ویژه‌گیهای خط  
 آرامی متاخر است. کلمات در کتیبه‌های  
 آرامی کهن اغلب با نقطه یا خطی عمودی  
 و کوتاه از هم جدا می شوند.

**حرف نویسی و بحث واژگانی کلمات کتیه:**

- 1- dy hš (y) bn d'k
- 2- b'nt XXX IIIIIII 'ntywks wshwks mlky'
- 3- [hipy h] yhb hgy br mzdpt lpy klyp 'h'lypphy

استد کلمات سطر اول:

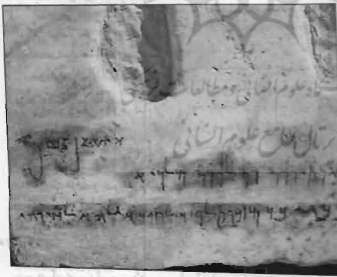
dy ، فعل ماضی صیغه سوم  
 شخص مفرد مذکر غایب، بر وزن  
 pa'el بمعنای: رساند، پرداخت،  
 ادا کرد: این فعل با این صرف در  
 کتیبه‌های کهن آرامی یا دوره  
 هخامنشی و بطورکلی در اسناد

نیامده است لیکن در زبان  
 اکدی با واژه adl بمعنای  
 Vertrag, Abmachung (۱) و در  
 زبان عربی با فعل ثلاثی ادن قابل  
 مقایسه و انطباق است. (۲)

Has hsy) مص با حصی و  
 حصی، نام شخص. هج؟

bn بن بمعنای پسر. این کلمه در  
 کتیبه‌های الیمائی بصورت br  
 می آید. لیکن در این کتیه علیرغم  
 تشابه بسیار نزدیک خطی با آن  
 کتیبه‌ها استعمال آن بصورت bn  
 است.

k'k با k'k با داك يا ذاك نام  
 شخص همانطور که قبلاً نیز ذکر  
 گردید حروف نخست این  
 کتیه بهقیاس حروف کتیبه‌های  
 الیمائی حرف نویسی و قرائت  
 گردید. (۳) در صورتیکه تفاوتی در  
 این دو زبان ظاهراً بنا بر کاربرد  
 bn در این زبان و br در زبان الیمائی  
 بمعنای پسر به چشم می خورد از  
 این گذشته نکته مهمتر و جالب  
 توجه‌تر در این کتیه اینست که



کننده مجسمه یعنی هص بن داك  
 الزاماً پیام خود را بهخط و زبان  
 محلی خود ثبت کرده است، در  
 حالی که طرف دریافت کننده  
 شینی یا مجسمه بهخط و زبان  
 رایج تر و معتبرتری مثل زبان آرامی  
 پیام را کمال کرده و انتقال داده  
 است.

نگارنده با آنچه در بالا گذشت  
 سطر با کتیبه نخست را چنین  
 ترجمه می کند.  
 ادا کرد هص بن داك (هص بن  
 داك)  
 کتیبه با کلمات ذیل چنین ادامه  
 می یابد:  
 b (الباء) حرف جر است بمعنای  
 به، در... حرف اضافه در مکان  
 یا زمان.

شنت، از *šnt* بمعنای سال  
 جمع آن *šnt* است. (۹)

۶- *šnt* غلبت که نگارنده با قیاس  
 اعداد استراکا (خود سفال) های  
 نسا و دیگر استاد پارسی از جمله  
 قبائل های اورامان آترا بصورت  
 اعداد رومی XXXIIII یعنی ۳۹  
 می خوانند. یعنی این علامت ۳ را  
 که در استاد نسا به همین صورت یا  
 صورتهای *šnt* (۳۰) }  
 می آید عدد XX یعنی ۲۰ و شکل  
 را عدد X یعنی ۱۰ و هر کدام از  
 نشانه های خطوط عمود می راکه  
 بصورت | می آید و مجموع نه  
 علامت مسزبور را جمعاً  
 ۹ می خوانند و بصورت ترکیبی  
 عدد ۳۹ را از آن استفاده  
 می نماید. یعنی سال ۳۹. (۱۰)

(۲۸۱ - ۲۶۱ ق. م)

*wstwtks* ، سلوکس دور عطف و  
 نام سلوکس جوانشین اسکندر  
 مقدونی (۳۱۲ - ۲۸۱ ق. م)

*mlky* ، حالت تشبیه عنوان *mlk*  
 بمعنای شاه.

این قسمت از کتیبه متأسفانه در  
 بخش خورده شده سنگ بصورت  
 محو دیده می شود که بدینوسیله در  
 استخراج بازسازی شده است.  
*šly* ، باء جر بمعنای توسط،  
 بوسیله *šly* ، پس نام عنوان است  
 که متأسفانه در متون و فرهنگهای  
 آرامی و گویشهای آن به عین این  
 عنوان نرسیم لیکن فعلاً این  
 عنوان را با LB یا RB در کتیبه های  
 پارسی و فارسی میانه مترادف بزرگ  
 برابر می گیریم. (۱۱)

*šly* بخش نخست این  
 نام یعنی حبیبی در قسمت ذایل  
 شدگی سنگ و کتیبه در استخراج  
 بازسازی شده است لیکن کلمه  
*šly* بالنسبه سالم است ولی کلمه  
 یا جزء آخر این نام *šly*  
 حرف نویسی شده و از آن معنای  
 بیغ استفاده می گردد. کل این  
 عبارت از يك اسم مرکب یعنی  
 هب و يك عنوان (بیغ) تشکیل  
 می یابد که با عنوان قبلی یعنی *šly*  
 هب و نام و عنوان پس حبیب  
 بیغ بدست می آید.

این کلمه در آرامی کهن و آرامی  
 مختلفش و گویشهای دیگر این  
 زبان بمعنای ویرانه است. (۱۲)

نگارنده ابتداء این کلمه  
 را که عنوان رایج نام شخصیت  
*šly* را *šly* می نویسد.

است که بدلیل خواهش آمد، یعنی

نام *kltyr* یا احتمال بازسازی  
 حرف دوم کلمه یعنی بصورت ،  
 یعنی z به w بصورت *mwtpi* مفهومی  
 مویذ یعنی *mo'upai* یا *magupai* را  
 از آن استفاده نمود. لیکن با توجه  
 به مسابفقه املاء این کلمه در  
 زبانهای مختلف از جمله  
 پهلوی آرامی، سریانی و ارمنی  
 بصورتهای: *magupai* ، *mo'upai* ،  
*mohapṭi* ، *magupā* ، *mohapṭi*  
 آمده است (۱۳) املاء مزبور را  
 چنانچه به بازسازی آن متکی باشیم  
 باید گونه های دیگر از نوشتار کلمه  
 مویذ بصورت *mwtpi* بدانیم.  
 لیکن نگارنده در ادامه کار به نظور  
 و تحول جالب توجه ای از این واژه  
 می رسد، بدینگونه که در نظام  
 آوازی زبان ساسی واج های *z* و *š*  
 قابل تبدیل به *s* و *š* و *z* و *š* در  
 در گویشهای مختلف این زبان  
 هستند. (۱۴) لذا چنانچه حرف ا

یعنی *z* را در این کلمه واجگونه  
 ض و بهمین ترتیب ض را واجگونه  
*z* ، *š* ، *z* ، *š* بدانیم می توانیم واژه  
*mwtpi* را نیز در این کتیبه که  
 گویش آرامی است لفظ دیگری  
 از واژه *magupai* یا *mo'upai*  
 بصورت *mazḥpat* یا *mazpat* و  
*mazḥai* بهمان معنای مویذ  
 بخوانیم. بد نیست که در همین  
 جا با توجه به تحول واجی که در  
 بالا ذکر شد به کلمه ای مشابه با  
 همین کلمه در زبان سلتایی نیز  
 اشاره ای داشته باشیم. در این  
 زبان کلمه *masḥbana* یا *masḥbana*  
 بمعنای روحانی تعدیدهنده  
 است (۱۵). حال با در نظر گرفتن

واجگونه بودن *z* و *š* چنانچه  
*masḥbana* یا *masḥbana* بخوانیم

همانی نیز در آنها قابل ملاحظه خواهد بود. و با توجه به اینکه نامی مثل نام klyr که بخوبی می توان آن را کزتری خواند به دنبال این کلمه آمده و صاحب چنین عنوانی است لذا نگارنده این کلمه را مطمئناً گونه قدیمتر نام magupat میورد در زمان سلوکها یا دقیقتر در اوایل سده سوم قبل از میلاد می داند، که خوشبختانه در این کتیبه بدست آمده است.

این کلمه که به وضوح در کتیبه باقی مانده است موجب بازیابی و قرابت همین کلمه در ابتدای سطر سوم کتیبه که عرود و محو شده است گردید. همانطوریکه قبلاً در بحث همین واژه ذکر گردید عنوانی است که فعلاً با LBA در هزارشاهی پهلوی بمعنای بزرگ مقایسه می شود.

این کلمه به صورت klyr حرف نویسی شده و نام kartir که در کتیبه های کهن تاکنون داشته اند کتیبه بزرگ شاپور اول و کتیبه نرسی در پاپکولی و کتیبه های مهم کزتری میورد بزرگ دوره ساسانی بوده است. لذا بدست آمدن این نام در اوایل دوره سلوکی بحثی جدید و قابل توجه است. این نام در کتیبه های پارتی و فارسی میانه (پهلوی) دوره ساسانی به اشکال مختلف مانند klyr ، klyr و کتیبه کزتری در نقش رستم KNRm سطرهای ۸ و ۱۱ بهمین صورت مطرح در این کتیبه klyr آمده است. (۱۱)

دوره های هخامنشی این کلمه با h یعنی های هوز و بدون همزه آخر کلمه بصورت h به معنای خدا و خداوند بکار می رود (۱۰) لیکن در کتیبه های پارتی و فارسی میانه دوره ساسانی این کلمه با h بصورت RHY ، bay بمعنای bar ، bay یعنی سرور بکار رفته است. (۱۲)

ترکیب h و hy بصورت lhy بمعنی برای زندگی (۱۱) جمع آن lhy است. (۱۲)

کلمه ایست که در آرامی کهن بصورت pht, phty و در آرامی هخامنشی phh و در اکدی pihatu و در کتیبه های پارتی و pāyatu (۱۳) و در کتیبه های پارتی دوره ساسانی نیز PHT بمعنای sahrab یعنی فرماندار، والی بکار رفته است. (۱۴) در این کتیبه استعمال آن با ماه h بجای جاه ا در دوره سلوکی جانب توجه است.

در خاتمه با توجه به دو نوع بودن خط و رسم سبب و نیز بنا بر ترجمه و مفهوم پیام کتیبه چنین استنتاج می گردد که مجسمه ای از سوی شخص محلی بنام هص بن داك تقدیم می گردد. که لاجرم پیام این شخص به خط و زبان محلی است. سپس این مجسمه توسط شخص دیگر بنام ایسی حب بیغ پسر مزید با میورد ایسی کزتری به والی یا ساتراپ محل احتمالاً خوزستان اختصاص می یابد. این عمل در سال ۳۹ سلطنت آنتیوخس و سلوکس انجام می گیرد و به خط رسمی تر و رایج تری همچون آرامی نوشته می شود.

ترجمه کتیبه:  
ادا کرد هص ابن داك  
به سال ۳۹ سلطنت پادشاهان آنتیوخس و سلوکس



دوره ساسانی و پارتی  
طرح ۱

توسط ایسی حب بیغ پسر مزید (مورد) ایسی کزتری خدا برای زندگی والی. مسافانه با آنچه که نگارنده از قرائت این کتیبه بدست می دهد نامی از والی ساتراپ محل نیست. شاید والی خود شخص آنتیوخس اول باشد که توسط پدرش سلوکس به فرمانروایی ولایات شرقی سلطنت سلوکی منسوب می گردد. (۲۴) - ۲۶۱ ق. م) سلطنت (۲۸۱ - ۲۶۱ ق. م).

زیادتیها:

- 1- Theo Bauer Akkadische Lexentücke Heft 3, Glossar, 1953, p. 1
- ۲ - محمد. م فرهنگ عربی - فارسی مستندالطباعه، انتشارات اسلامی، قم
- 3- W. B. Henning, The monuments and inscriptions of Tang - i sarvak Ali vol. 15, p. [376]
- 4- F. Rosenthal, An Aramaic Handbook Part 1/2 ch. 1967 p. 7
- 5- cit. vol. II, Parthian economic documents from Nisa, plate I & II
- 6- ph. Gignoux, Glossaire des inscriptions pehl. parth. cit. 197, p. 26, 62
- 7- F. Rosenthal, همانجا، part 1/2 p. 2, 9...
- ۸ - دکتر محمدجواد مشکور، فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی جلد ۲، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۷، واژه میورد.
- 9- F. Rosenthal, A Grammar of Biblical Aramaic, ch. 1967, (17) p. 14
- 10- Drower & Macuch, a Mandaic Dictionary, Oxford 1963 p. 250.
- 11- ph. Gignoux, همانجا، p. p. 25, 55
- 12- F. Rosenthal همانجا p. p. 1, 8...
- 13- ph. Gignoux, همانجا، p. p. 19, 45
- 14- F. Rosenthal, همانجا، p. 3
- 15- Rosenthal, همانجا، p. 6, 13
- 16- ph. Gignoux, همانجا، p. 60